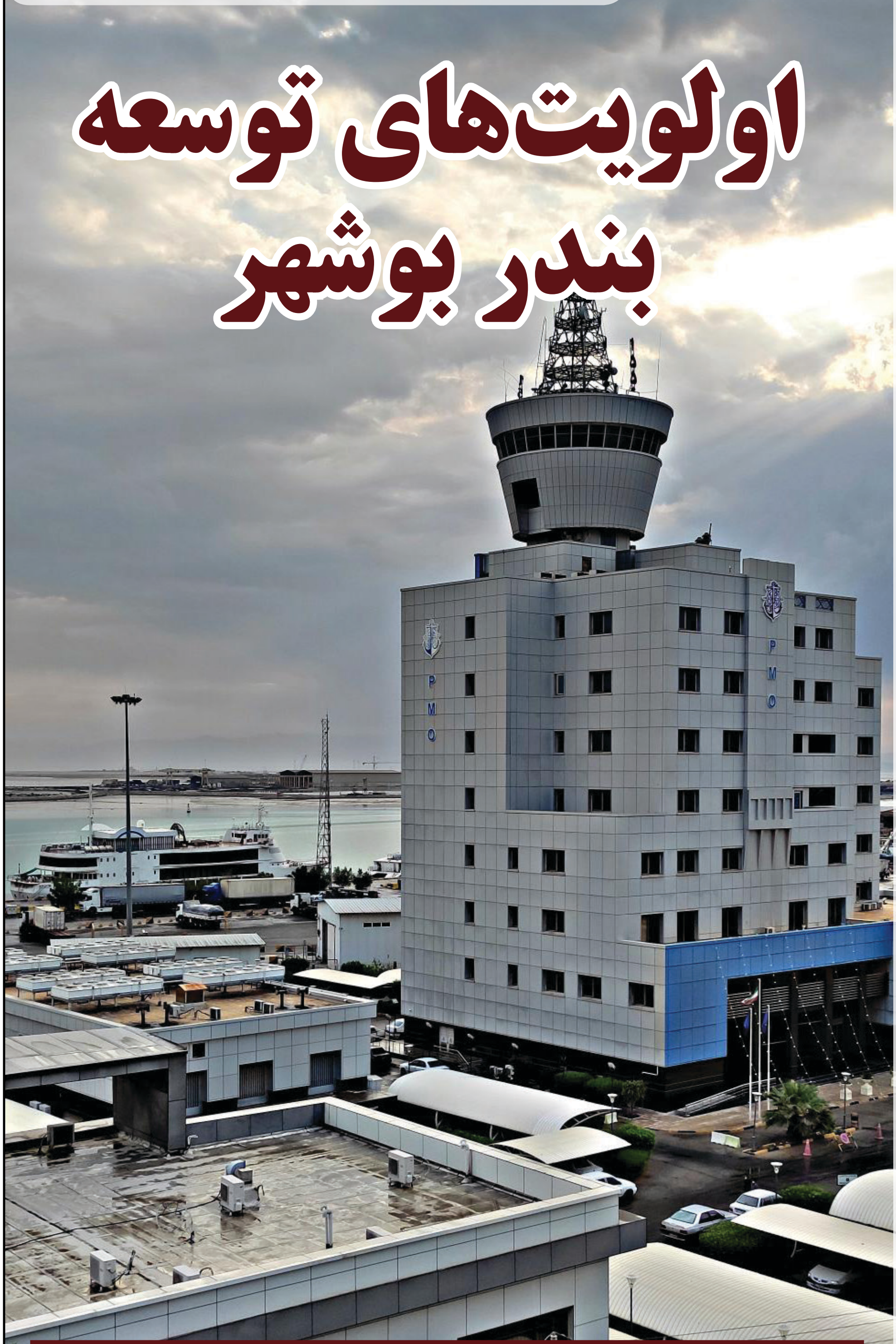
نسیم جنوب

www
nasimjonoub
COM

سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۲

دوشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه

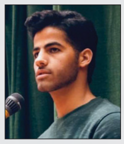
اولویت‌های توسعه بندر بوشهر





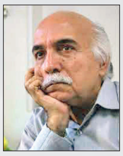
ما فقط یک رسالت نداریم

■ حسین زیرراهی



تندروها به دنبال ایجاد نفاق در دولت وفاق

■ علیرضا رستمی



اجرای ناقص همسان‌سازی حقوق بازنشستگان؟

■ حسین حشمتی



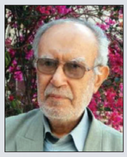
ضرورت احیای عدالت در مدیریت استان بوشهر

■ غلامعلی بدخشان



تصور نمی‌کردید که روزی این میز را از دست می‌دهید!

■ مهسا متقی



مخالفت شدید با درس خواندن دختران در مدارس نوین

■ علیرضا مظفری‌زاده



کین آمدن از کجا و رفتن به کجاست

■ دکتر بشیر علوی



دادن کفن، به‌جای افروختن چراغ قدرشناسی

■ سعیده حسنی



هنری برای به نظم کشیدن بی‌نظمی‌ها

■ سمیه ناصری



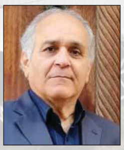
برای یادگیری هنر هیچ وقت دیر نیست

■ حمید پارسامهر



سلمان بهبهانی؛ قهرمانی ملی با پای برهنه!

■ امید زاهد



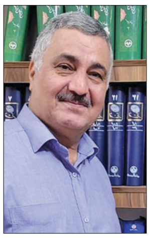
از کوچه‌های خاکی تا پرچم‌داری فوتبال بوشهر

■ ولید صفری



هیچ ارتباطی با آموزش و پرورش ندارم

■ دکتر عبدالرسول عمادی



واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول

دکتر حمید اسدپور

نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور:

توسعه بندر بوشهر نیازمند ایجاد پشتوانه و احداث بندر خشک است



نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور گفت: به‌منظور توسعه ظرفیت بندر بوشهر و مجتمع بندری نگین ضروری است بندر خشک در اطراف این محدوده برای ایجاد پشتوانه جانمایی و احداث شود.

علی عبدالعلی‌زاده در بازدید از بندر بوشهر افزود: اجرای طرح توسعه بندر بوشهر در مجتمع بندری نگین اقدامی ارزشمند است که با همت سازمان بنادر و دریانوردی در حال تحقق بوده و فرصت جدیدی برای کشور و بندر بوشهر ایجاد کرده است.

وی بیان کرد: با اتمام طرح‌های توسعه مجتمع بندری نگین، ظرفیت تخلیه و بارگیری بندر بوشهر از هفت به ۱۵ میلیون تن افزایش خواهد یافت.

نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور ادامه داد: احداث جاده دسترسی به مجتمع بندری نگین، فرصت بیشتری برای بهبود عملکرد بندر بوشهر فراهم می کند. علاوه بر این، ایجاد یک بندر خشک به‌عنوان پشتوانه بندر بوشهر و مجتمع بندری نگین، فرصت‌های بیشتری برای توسعه و ارائه خدمات بهتر ایجاد خواهد کرد.

عبدالعلی‌زاده اظهار کرد: بوشهر به‌عنوان قدیمی‌ترین بندر کشور باید جایگاه ویژه خود را در حمل‌ونقل بار و مسافر حفظ کند. در راستای سیاست‌های دریامحور، برای توسعه گردشگری این بندر اهتمام جدی وجود دارد.

وی افزود: یکی از نقاط گردشگری مهم خلیج فارس، بازدید از بوشهر به‌عنوان بندری قدیمی است که باید در این بخش برنامه‌ریزی‌هایی برای توسعه گردشگری دریایی انجام شود تا گردشگران بتوانند از فضاهای تاریخی بوشهر بازدید کنند. /ایسنا

اولویت‌های توسعه بندر بوشهر

دکتر عباس علوی نژاد



بنادر استان بوشهر نقش زیادی در توسعه پایدار آن دارد و اولویت‌بندی و هماهنگی برای اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور واجد اهمیت است.

برخی معتقدند به‌منظور توسعه ظرفیت بندر بوشهر و مجتمع بندری نگین، ضروری است بندر خشک در اطراف این محدوده برای ایجاد پشتوانه جانمایی و احداث شود.

در این مختصر به ابعاد مهم توسعه بندر بوشهر و نقش بندرخشک در این توسعه اشاره می شود تا توسط پژوهشگران و صاحب نظران تکمیل شود.

بندر خشک همان‌طور که از نامش پیداست بندری است که از دریا فاصله دارد و معمولاً از طریق راه‌آهن یا جاده به بنادر دریایی متصل می‌شود.در بنادر خشک پایانه‌هایی وجو دارد که محموله‌های منتقل شده توسط کشتی به بنادر ساحلی به آن‌ها انتقال داده می‌شود و به عنوان مرکزی برای انتقال محموله‌های دریایی به مقاصد داخلی عمل می‌کنند.



در کشور ما بیش از ۳۰ بندر خشک مثل کرمان، لارستان، باف، جهرم، قزوین و اصفهان وجود دارد.

یکی از مشکلات عمده حال حاضر بندر بوشهر، ظرفیت کم تخلیه و بارگیری - حدود ۷میلیون تن درسال- است که با توسعه بندر نگین تقریبا دو برابر خواهد شد.

همچنین باتوجه به عمق کانال بندر بوشهر و نیاز به لایروبی مستمر آن، در حال حاضر کشتی‌های با ظرفیت ۳۰ تا ۳۵ هزارتن امکان پهلوگیری دارند و اگر عمق کانال به ۱۴متر برسد کشتی‌های با ظرفیت تا ۵۰هزار تن هم امکان ورود خواهند داشت.

افزایش ظرفیت انبارهای سرپوشیده، مخازن و پایانه فله مایع و تجهیزات تخلیه وبارگیری عمومی و کانتینری هم ضرورت دارد که قراردادهایی با سرمایه‌گزاران منعقد شده است وتسریع در اجرای آن ضرورت دارد.

منطقه ویژه اقتصادی، توسعه بندرنگین و جاده دسترسی به آن از اواخر دهه هفتاد در برنامه اجرایی استان قرار داشته است. *در آن دوره زمینی به مساحت ۱۸۰۰هکتار برای منطقه ویژه اقتصادی در نظر گرفته شد که در فاز اول برای حدود ۲۰۰هکتار، توسط گروه مشاور، طرح جانمایی و مطالعاتی تهیه گردید و بخشی از آن هم برای افزایش ظرفیت انبار کالاهای ورودی به کشور در نظر گرفته شد. با شرکت صدرا هم توافق شد ومسئولیت احداث جاده دسترسی تا بندرنگین را بر عهده گرفت.*

باتوجه به منع استفاده از اعتبارات دولتی در شروع فعالیت منطقه ویژه ،شرکت سرمایه گزاری توسعه استان بوشهر(سهامی عام) هم ثبت گردید تا نسبت به جذب سرمایه از سراسر کشور فعالیت نماید.

بنابراین توسعه و رونق بندر بوشهر در زمینه های پیش گفته اولویت دارد و طرح بندرخشک در استان اثربخش نیست و تحقق موارد مذکور وتجمیع منطقه ویژه و آزاد بوشهر اولویت دارد.

علاوه بر افزایش ظرفیت پهلوگیری و تخلیه و بارگیری ، تکمیل راه آهن بوشهر به شیراز و آزاد راه بوشهر به مرکز کشور نیز بایدمورد توجه ویژه قرار گیرد.

استفاده از ظرفیت منطقه آزاد بوشهر با مساحت زیادی که برای آن مصوب شده و ادغام منطقه ویژه در آن می تواند کارکردی که از ایجاد بندرخشک مدنظر برخی هست را هم بدون سرمایه گزاری جدید در نقطه ای دیگر، تآمین نماید.

قابل ذکراست با توجه به ابلاغ برنامه ۵ ساله هفتم توسعه کشور و محدویت اعتبارات و بودجه، لازم است برنامه ۵ ساله توسعه استان با توجه به تغییرات مدیریتی، متناسب با انتظارات و نیازهای اساسی جامعه تدوین و اولویت‌ها تعیین و به نحو شایسته اجرا گردد.

سند آمایش سرزمینی دریامحور بوشهر تدوین شد

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر گفت: سند آمایش سرزمینی دریامحور بر اساس ظرفیت اقتصادی این استان و سیاست‌های دریا محور تدوین شد.

به گزارش ایرنا ، علی پورداوود در گفت وگو با خبرنگاران افزود: فعالیت ۱۱ بندر تجاری غیرنفتی با ظرفیت ۱۰ میلیون تن ، قطب تولید میگوی پرورشی و قرار گرفتن در کرانه خلیج‌فارس سبب ارتقای توانمندی اقتصاد دریامحور در استان بوشهر شده است.

وی یادآور شد: ظرفیت تخلیه و بارگیری کالا در بندر بوشهر از هفت میلیون تن در سال است که با تکمیل مجتمع بندری نگین به ۱۵ میلیون تن افزایش می‌یابد.

پورداوود تصریح کرد: در استان بوشهر، ۱۲ هزار ملوان و خدمه در حوزه تجارت دریایی فعال هستند که ۲۰۰ شرکت در امر خدمات‌رسانی دریایی فعالیت دارند.

وی اشاره به استقرار ۱۱۵ اسکله صیادی و ۱۷ موج‌شکن در سواحل استان بوشهر ادامه داد: دو هزار و ۳۵ شناور صیادی با ۱۰ هزار صیاد حرفه‌ای در امر صید و صیادی فعال هستند که بوشهر را به قطب صیادی کشور تبدیل کرده است.

۱۲ سایت پرورش میگو با ظرفیت بیش از ۶۰ هزار تن در استان بوشهر فعال است و نقش فعال و مهمی نیز در تولید بچه میگو برای ذخیره‌سازی دارد.

پورداوود با اشاره به اینکه بوشهر دارای ظرفیت بالایی در حوزه گردشگری بویژه تفریحات ساحلی و دریایی است، تصریح کرد: استان بوشهر دارای ۱۲ منطقه نمونه گردشگری است که پنج منطقه ویژه گردشگری ساحلی نیز موجبات جذب گردشگران داخلی و خارجی شده است.

وی گفت: پارک ملی دریایی نایبند و جزایر چهارگانه نخیلو، تهمادون، ام الگرم و خان در محدوده پارک ملی دریایی دیر- نخیلو از مناطق مهم گردشگری ساحلی در این استان است.

اهدای کفن در قاب رسانه‌ای که زمانی نماد هویت بود

عبدالرحیم رضایی

رسانه، این ابزار شگرف قرن‌ها، در ذات خود آینه‌ای برای انعکاس هویت، اندیشه و آرمان‌های یک ملت است. رسانه‌ای که روزی بر مدار همبستگی و تعالی فرهنگی می‌چرخید، امروز در دستان بی‌تدبیری و بی‌سلیقگی، نمادی از تفرقه و خشم شده است. برنامه‌ای که از شبکه افق صداوسیما پخش شد و با اهدای کفن و آگهی ترحیم به مهمانان خود، از جمله شخصیت‌های برجسته‌ای چون پروفسور مریم رزاقی آذر و هادی عامل گزارشگر مطرح کشور، لباسی از بی‌حرمتی بر تن رسانه ملی پوشاند، نه‌تنها مایه تأسف، بلکه زنگ خطر سقوط اعتبار رسانه‌ای است که می‌توانست تکیه‌گاه فرهنگی جامعه باشد.

برنامه‌ای که نماد سقوط معنا شد

در دنیایی که رسانه‌ها برای ساختن قهرمان‌های ملی و تقویت امید اجتماعی تلاش می‌کنند، چه بر سر صداوسیمای کشور آمده که به جای تکریم دانشمندان، به اهدای کفن و اعلامیه فوت روی آورده است؟ پروفسور مریم رزاقی آذر، چهره‌ای ماندگار در علم پزشکی، زنی که جان کودکان بی‌شماری را نجات داده و برای دفاع از هویت ملی در برابر بیگانگان ایستادگی کرده است، سزاوار ستایش و احترام است، نه یادآوری مرگ در قالب نمایشی بی‌روح، که بیش از آن‌که پیامی معنوی داشته باشد، تنها طعنه‌ای تلخ و گزنده است.

آیا این برنامه‌سازان و مدیران رسانه‌ای، که چنین صحنه‌هایی را به خورد جامعه می‌دهند، از مسئولیت اجتماعی رسانه آگاهی دارند؟ آیا از تأثیر روانی چنین مضامینی بر افکار عمومی آگاهند؟ رسانه به‌جای آن‌که چراغی باشد تا مسیر آینده را روشن کند، به تابلوی هشدار اشتباهات تبدیل شده است.

کفن به‌جای تکریم؛ نماد بی‌سلیقگی یا بی‌تدبیری؟

آن‌چه در این برنامه اتفاق افتاد، نه‌تنها بی‌سلیقگی، که اشتباهی استراتژیک در مدیریت محتوای رسانه‌ای بود. هدیه‌ای به ظاهر عجیب و نامأنوس، اما در اصل توهینی آشکار به شعور و شأن مهمانان. اگر هدف برنامه‌سازان، تذکری معنوی بوده است، آیا بهتر نبود به جای توسل به چنین روش‌هایی، با زبان احترام و حکمت، پیام خود را منتقل کنند؟

اهدا کفن و آگهی ترحیم، اگرچه شاید از منظر برخی، یادآوری مرگ باشد، اما در قالب رسانه‌ای که باید نماد امید و حیات باشد، جز تحقیر و تخریب شخصیت مهمانان چه معنایی دارد؟ آیا این اقدام توجیهی جز بی‌احترامی به مخاطب و مهمان دارد؟

مرگ اعتبار رسانه در هیاهوی بی‌مسئولیتی

پاسخ رئیس صداوسیما نیز به‌جای آن‌که مرهمی بر این زخم باشد، تنها بر عمق فاجعه افزود. اذعان به بی‌سلیقگی و خطا، دردی را دوا نمی‌کند، چراکه این برنامه بارها بازپخش شده است، بدون آن‌که کسی زنگ هشدار را به صدا درآورد. این سؤال پیش می‌آید که آیا مدیران رسانه‌ای ما، که مسئولیت نظارت بر محتوا را بر عهده دارند، به عمق تأثیرات منفی چنین اقداماتی فکر کرده‌اند؟

وقتی پروفسور رزاقی آذر، در واکنشی آشکار، از مجری می‌خواهد که آگهی فوت را پاره کند، این صحنه به نمادی از اعتراض خاموش نخبگان به بی‌حرمتی رسانه‌ای تبدیل می‌شود. این اعتراض، صدای رسا و واضحی است به مدیریتی که این روزها بیش از آن‌که در خدمت فرهنگ باشد، سرگرم تولید محتوایی است که به جای تقویت اعتماد عمومی، آن را خدشه‌دار می‌کند.



رسانه‌ای که می‌توانست الهام‌بخش باشد

در جهانی که دانشمندان و نخبگان، سرمایه‌های گران‌بهای هر کشوری هستند، تکریم و احترام به آنان، رسالتی است که رسانه‌ها باید به‌درستی ایفا کنند. جهان امروز، مریم رزاقی آذرها را الگو می‌سازد، نامشان را بر سر زبان‌ها می‌اندازد و آنان را چراغ راه نسل‌های بعد می‌کند. اما در رسانه‌ای که به‌جای آن‌که قدردان دانش و اندیشه باشد، کفن و آگهی ترحیم هدیه می‌دهد، چگونه می‌توان انتظار داشت که جوانان، به مسیر دانش و خدمت به جامعه دل ببندند.

آرزوی فردایی بهتر

امروز، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند رسانه‌ای هستیم که به جای پاشیدن بذر ناامیدی، نور امید را در دل‌ها روشن کند. رسانه‌ای که به‌جای آن‌که تماشاگر سقوط شخصیت‌های علمی و فرهنگی باشد، ستونی برای اعتلای آنان باشد. شاید روزی فرا برسد که مدیریت رسانه ملی به دستان اندیشمندان واقعی سپرده شود. آن روز، شاید بتوان دوباره به صداوسیمایی افتخار کرد که روزی نماد همبستگی و هویت ملی بود.

تا آن زمان، تنها می‌توان تأسف خورد و امیدوار بود که این اشتباهات، چراغ هشداری باشد برای بازگشت به مسیر درست. رسانه ملی ما باید زنده کند، نه آن‌که خود، مرگ را در قاب‌هایش به نمایش بگذارد.

زندگی آگاهانه

ما فقط یک رسالت نداریم

حسین زیراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



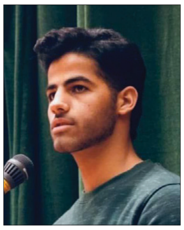
اخیرا این جمله را زیاد می‌شنویم که می‌خواهم رسالت زندگی‌ام را پیدا کنم. برخی هم آن را با قانون جذب و تعالیم مذهبی قاطی کرده، پا را فراتر گذاشته و می‌گویند می‌خواهم رسالتی که قبل از تولد خداوند یا کائنات بر عهده‌ام گذاشته را پیدا کنم. واقعا هرکس بتواند رسالت خود را در زندگی پیدا کند واقعا نیمی از خوشبختی را نصیب خود کرده است. نخست این که از سرگشتگی و از این شاخه به آن شاخه پریدن خلاص می‌شود. دیگر این که تمام وقت و انرژی خود را در آن متمرکز می‌کند و لاجرم به نتایج بزرگی می‌تواند دست یابد. از همه مهم‌تر یک زندگی معنادار برای خود می‌سازد. ولی یافتن رسالت زندگی کار آسانی هم نیست. شاید سال‌ها طول بکشد همراه با کلی تلاش و انجام کارهای مختلف. حتی ممکن است فردی هیچ‌وقت به آن چیزی که می‌خواهد هم نرسد. دلایل آن گوناگون است. نخست این‌که هر کدام از ما در جایگاه یک انسان فقط یک توانمندی یا استعداد نداریم. می‌توانیم در زمینه‌های مختلفی موفق شویم. حتی علایق‌مان هم یکی دوتا نیست. پس لزوما قرار نیست حتما فقط یک رسالت در زندگی داشته باشیم. بگذارید با مثال موضوع را واضح‌تر کنم. اگر به صد هزار سال پیش برگردیم اجداد ما بیشتر از دو یا سه کار در روز برای انجام دادن نداشته‌اند. پر کردن شکم خود و دفاع در مقابل حمله خارجی. بنابراین از هزاران شغل امروزی فقط شکار، مبارزه، ساخت ابزار ساده، یافتن غذا و مسیریابی وجود داشته است. احتمالا همه این مهارت‌ها را با هم داشته اند. پس عملا مشاغلی وجود نداشته که بخواهند دنبال رسالت خود بگردند.

در مقابل در مورد آینده اگر سیر تنوع شغلی صد سال گذشته را دنبال کنیم به این نتیجه می‌رسیم که تنوع شغلی هنوز هم بیشتر خواهد شد. حتی هوش مصنوعی هم در مقابل هر شغلی که از بین می‌برد مشاغل بیشتری ایجاد می‌کند. ببینید اگر برق اختراع نشده بود الان چقدر مشاغل وجود نداشت؟ پس ما انسان‌ها علایق و استعدادهای گوناگونی داریم که هر روز مشاغل و حرفه‌های بیشتری برای آن ساخته می‌شود. اتفاقا همین مساله هم ما را سردرگم و کار را برای‌مان سخت کرده است. ضمن اینکه با گذر عمر هم ممکن است علایق ما تغییر کند. اگر توجه کنید برخی از انسان‌های موفق در زندگی مشاغل مختلفی داشته‌اند.

خب حالا چه کار کنیم؟ نخست این‌که لازم است عینک تنگ پیدا کردن نیمه گمشده شغلی را از چشم برداریم. علایق و استعدادهای خود را بشناسیم و اولویت‌بندی کنیم. از اولویت اول شروع کنیم. ضمن تحقیق و مطالعه، انجام عمل را هم جلو ببریم. هر شغلی را از پایین شروع کنیم بهتر است. شاید لازم باشد چند حرفه عوض کنی تا گمشده‌ات را پیدا کنی. ولی یادت باشد هر کدام را خوب و تا سطح نسبتا بالا انجام دهی. همه این مسیر را خوب انجام بده ولی اگر به ته آن رسیدی و مطمئن شدی این آن چیزی نیست که می‌خواهی سریع بپر بیرون. یادت باشد زمان عمر ما خیلی کوتاه است.

تندروها به دنبال ایجاد نفاق در دولت وفاق

علیرضا رستمی - دانشجو



چند روز قبل مداحی با انتشار یک ویدیو در فضای مجازی به جامعه اهل سنت توهین کرد که این رفتار وحدت‌شکنانه با واکنش کاربران مواجه شد. دادستان زاهدان نیز وعده داد که به پرونده مداح توهین‌کننده به اهل سنت در همین شهر رسیدگی شود. به گفته این مقام قضایی در استان سیستان و بلوچستان، این مداح بعد از صدور دستور جلب و بازداشت از سوی بازپرس پرونده دستگیر و در اختیار اطلاعات سپاه قم قرار گرفت. فرد هنجارشکنِ وحدت بین شیعه و سنی در قم دستگیر شَد و به زاهدان منتقل می‌شود.

تاکنون این‌نوع نوحه‌خوانی‌ها که همراه با اهانت و تکفیر اهل سنت همراه است، با هیچ محاکمه‌ای از جانب حکومت برای این هتاکان روبرو نشده و این امر موجب افزایش اهانت و هتاکی‌ها شده است.

این تندروی ها و ایجاد نفاق در کشور اولین بار نیست که توسط اقلیت تندرو صورت می‌گیرد. آن ها هر وقت در انتخابات ریاست جمهوری شکست خوردند با سنگ‌اندازی و کارشکنی با تمام توان در مقابل دولت مستقر می‌ایستادند و حتی به دنبال ساقط کردن دولت مستقر هستند.

امام علی علیه السلام فرموده است: «منافق را سه نشانه است، زبانش با دلش، گفتارش با کردارش و درونش با نمودش یکسان نیست.»

وقتی تقویم را به عقب ورق بزنیم اول از همه مصوبه مجلس تحت عنوان «لایحه یک‌فوریتی حمایت از فرهنگ حجاب و عفاف» می‌رسیم. مجلس با تصویب چنین قوانینی، نه تنها مشکلی از مردم حل نمی‌کند، بلکه به شکاف میان دولت و ملت دامن می‌زند.

قانون اقدام راهبردی مجلس نیز آذرماه سال ۹۹ توسط قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی برای اجرا ابلاغ شد

دکتر حسن روحانی تیرماه ۱۴۰۳ درباره این اقدام راهبردی مجلس گفت: «آن‌هایی که نگذاشتند تحریم حل شود به صحنه انتخابات آمدند. عجیب است. چرا تحریم حل نشد؟ چرا مساله برجام تمام نشد؟ قانون راهبردی مجلس بدترین قانون در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است. ما از این قانون بدتر نداشتیم. قانونی که فقط توطئه بود برای این‌که دولت دوازدهم ناموفق شود. برای این‌که مردم نفس نکشند.»

سه سال قبل از این اقدام راهبردی، نمایندگان تندرو در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ در جلسه علنی مجلس با آتش زدن برجام باعث شدیدتر شدن تحریم‌ها و خروج امریکا از برجام شدند. لازم به ذکر است که قیمت دلار در روزی که برجام را به آتش کشیدند ۴۲۰۰ تومان بود و امروز ۸۰ هزارتومان است.

نمایندگان مجلس سیزدهم باید بدانند که آن‌ها نماینده اقلیت جامعه هستند، نمونه آن در حالی‌که ۱۰ میلیون و ۳۰ هزار و ۱۹۱ نفر واجد شرایط رای دادن و شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در استان تهران بودند، اما کوچک‌زاده با ۳۳۶ هزار رأی وارد مجلس شده است. یعنی نماینده ۳ درصد از مردم تهران است، و بدین‌گونه از تریبون مجلس به همدردی دولت با مردم ساکن لس‌آنجلس، توهین می‌کند تا فقط به هدفش یعنی کارشکنی در روند کار دولت برسد. در حالی‌که ایرانیان ساکن آمریکا نزدیک به ۱ میلیون ۵۰۰ هزار نفر و ایرانیان ساکن لس‌آنجلس نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر هستند.

این ها فقط چند نمونه از اقدامات مجلس برای کارشکنی در روند کار دولت اصلاحات بود. حتی در دولت خاتمی که مجلس همراه اصلاح‌طلبان بود، اقلیت تُندرو ساکت نمی‌نشستند و هر روز یک مساله ایجاد می‌کردند.

آیا به‌یاد دارید که یک بار این نمایندگان دادزن، صدایشان را برای اختلاس چای دبش، فولادمبارکه و یا دکل های نفتی مفقود شده، بلند کرده باشند!؟ کاسبان تحریم وقتی حرف از مذاکره می‌شود با تمام قوا به میدان می‌آیند تا بازی را به هم بزنند. آن‌ها آگاه هستند که اگر مردم ما از جبر نیاز رها شوند، درباره آزادی فکر می‌کنند، پس نخواهند گذاشت خیال مردم از مسائل اقتصادی راحت شوند.

تاسف بار است بعضی‌ها با پوشش انقلابی سعی دارند وحدت مردمی را برهم بزنند که ۸ سال با دست خالی در برابر کل دنیا ایستادند. ما هرگز بدون وحدت نمی‌توانستیم حماسه دفاع مقدس را رقم بزنیم.

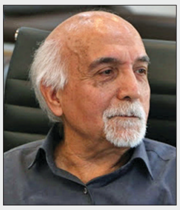
آیا برادران مسیحی و اهل سنت را که در خط مقدم تا پای جان برای ایران ایستادند، را فراموش کرده‌ایم!؟ ایران علیرغم تنوع فرهنگی و تعدد زبانی، اما تحت یک هویت ملی واحد مبتنی بر فرهنگ و زبان فارسی معیار، منسجم گردیده است. گروه‌های قومی همچون فارس، تُرک، کُرد، بلوچ، عرب، گیلک، مازندرانی، لُر، لارستانی، لک و ترکمن و... همه ایرانی هستند.

اگر حاکمیت با تُندروی‌های گذشته برخورد محکم می‌کرد، امروز دیگران به خودشان اجازه چنین کاری را نمی‌دادند.

گل شبدر چه کم از لاله احمر دارد؟

اجرای ناقص همسان‌سازی حقوق بازنشستگان؟

حسین حشمتی



از چند ماه پیش تیترهای دهان آب اندازی در مورد همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری در بعضی از رسانه‌های مکتوب منتشر می‌شد که «فردا جیب بازنشستگان پر پول خواهد شد!» یا این تیتر هیجان‌انگیز که: «انتظارها به پایان رسید، تا چند روز دیگر با واریز مابه‌التفاوت همسان سازی، حساب بازنشستگان آن‌قدر شارژر می‌شود که هرچه خرج کنند تمام نمی‌شود».

تا این که وقتی منتظران را به (به لب آمد نفس) حکم همسان‌سازی ابتدا برای بازنشستگان خاص صادر شد و مبلغی عاجل به حقوق‌شان واریز گردید اما نوبت به سایر متقاعدین که رسید آسمان تپید زیرا پس از پیگیری‌های زیاد بالاخره با صدور احکامی شتاب‌زده، مبلغ ناچیزی به حساب این قشر فرهیخته و آبرومند واریز گردید.

این سایر بازنشستگان که نوشتم همان کارمندانی هستند که در زمان اشتغال، امور اجرایی و مدیریتی کشور را بر عهده داشته و تصور می‌کردند وقتی آن (حلوای تنتنانی) بخوانید همسان‌سازی، برای‌شان پخته شد حقوق ماهیانه‌شان حداقل یک و نیم تا دو میلیون تومان افزایش خواهد یافت اما آه از نهادشان برآمد وقتی دیدند که مبلغی زیر یک میلیون تومان به حساب‌شان واریز گردیده است.

اعمال این روش در حالی بود که طبق مصوبه مجلس، قانون متناسب‌سازی از فروردین ماه سال۱۴۰۳ قابل اجرا بوده و بودجه مورد نیاز هم از محل افزایش یک درصد مالیات بر ارزش افزوده تامین و قابل پرداخت بوده اما احمد میدری وزیر کار دولت چهاردهم است بر این که دولت استطاعت مالی لازمه را ندارد و با همین توجیه بود که پرداخت مابه التفاوت ۸ ماهه سال۱۴۰۳ به بودجه سال۱۴۰۴ موکول گردید و تاریخ اجرای احکام سال جاری نیز آذرماه تعین شد که پرداختش به دی ماه موکول گردید.

وقتی بازنشستگان به احکام صادره اعتراض کردند حجت الله میرزایی راهکار گفتار درمانی را برگزید و روابط عمومی هم بیانیه‌ای صادر کرد که مدیرعامل صندوق بدون محدودیت تعدادی و زمانی در ستاد مرکزی صندوق حضوری، و برای استانی‌ها از طریق وبیناری پاسخگوی روسای کانون‌های بازنشستگی خواهد بود. اما در موعد مقرر تنها ۳۰ نفر از روسای کانون‌های تهرانی در ساختمان مرکزی صندوق و همچنین عده ای از روسای کانون‌های استانی در اتاق کار مدیران کل بازنشستگی حضور یافتند تا بشنوند مدیرعامل چه جوابی به خواسته‌های قانونی آنان خواهد داد.

مدیرعامل کاربلد صندوق اما ضمن تعریف و تمجید از بازنشستگان تائید کرد که انتظار بازنشستگان برای تطابق حقوق باشاغلان کاملا منطقی است و در مورد پرداخت کسورات نیز گفت تلاش ما برای تامین منابع لازم است و در آخر هم فاش ساخت که موضوع ادغام مطرح نیست بلکه تغییر مسیر پرداخت حقوق از صندوق به دولت مطرح است و فی‌الواقع هیچ پاسخ امیدوارکننده‌ای به منتظران دریافت مابه‌التفاوت همسان‌سازی در دیماه سالجاری را نداد، مگر این که رب جلیل از خزانه غیب خودش اعتبارات کافی و شافی به خزانه عامره صندوق اعطا فرماید تا مدیرعامل رئوف و آگاه به مصائب بازنشستگان تحت پوشش، دستور پرداخت مطالبات را صادر نماید،آمین.

فراموش‌شدگان جنوب بوشهر؛

ضرورت احیای عدالت در مدیریت استان بوشهر

غلامعلی بدخشان



استان بوشهر به‌عنوان قطب انرژی کشور و یکی از مناطق استراتژیک ایران، نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی و سیاسی کشور ایفا می‌کند. با این حال، در تمامی دولت‌های ادوار گذشته، نقش نیروهای جنوب استان در سبد مدیریتی بسیار کم‌رنگ بوده است. این عدم توازن، به‌رغم مشارکت بالای مردم این منطقه در انتخابات و حمایت گسترده از دولت وفاق ملی، همچنان یکی از چالش‌های اساسی توسعه متوازن در استان باقی مانده است.

مشارکت بالای مردم و انتظارات از دولت

جنوب بوشهر همواره در عرصه‌های سیاسی و انتخابات، حضوری فعال و مشارکتی چشمگیر داشته است. میزان بالای آرای مردم این منطقه به دولت وفاق ملی، نشان‌دهنده امید و اعتماد آنان به تحقق عدالت و شایسته‌سالاری در مدیریت استانی است. با این حال، انتظار می‌رود که این اعتماد مردمی در تصمیم‌گیری‌ها و انتصاب‌ها به‌درستی منعکس شود و سهم واقعی جنوب استان در معادلات مدیریتی لحاظ گردد.

نقش تحول در سیاست‌گذاری‌ها و ارتباط دولت با مردم

مشارکت بالای مردم جنوب بوشهر در انتخابات نه‌تنها نشان‌دهنده اعتماد به دولت وفاق ملی است، بلکه باید به‌عنوان یک پیام برای دولت و مسئولان استانی تلقی شود که مردم این منطقه خواهان نقش فعال‌تری در فرآیندهای مدیریتی هستند. این تحول در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به تقویت رابطه دولت با مردم، کاهش فاصله‌ها و دستیابی به توسعه‌ای متوازن‌تر کمک کند.

نقش محوری استاندار در تحقق عدالت منطقه‌ای

در این راستا، نقش محوری دکتر ارسلان زارع، استاندار بوشهر، در تحقق عدالت و توازن مدیریتی در استان بسیار حیاتی است. استاندار زارع، با توجه به شناخت عمیق از نیازها و ظرفیت‌های منطقه، فرصت منحصر به فردی دارد که با استفاده از شایسته‌سالاری، توجه ویژه به نخبگان بومی و ایجاد ساختارهای مدیریتی منصفانه، به احیای عدالت منطقه‌ای و توزیع عادلانه فرصت‌ها در استان کمک کند. وی می‌تواند به‌عنوان یک رهبر اجرایی با درک درست از مطالبات مردم جنوب بوشهر، سیاست‌های جدیدی را در راستای تحقق این اهداف کلیدی پیاده‌سازی کند.

اهمیت حضور نخبگان جنوب در مدیریت

جنوب بوشهر با برخورداری از نخبگان برجسته و نیروی انسانی توانمند، توانایی ایفای نقشی کلیدی در پیشبرد برنامه‌های استانی را دارد. مشارکت این نیروها در مدیریت نه‌تنها موجب بهره‌وری بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود، بلکه حس تعلق اجتماعی و انسجام منطقه‌ای را نیز تقویت می‌کند. از این رو، توجه ویژه استاندار به جذب نخبگان بومی در سطوح مختلف مدیریتی می‌تواند گامی مؤثر در تحقق وعده‌های انتخاباتی دولت وفاق ملی باشد.

چالش مدیریت در صنایع نفت و پتروشیمی

یکی از حوزه‌های مهم که مردم جنوب بوشهر انتظار تغییر در آن دارند، مدیریت صنایع نفت و پتروشیمی است. با وجود استقرار این صنایع در جنوب استان و تأثیر مستقیم آنها بر زندگی مردم منطقه، مدیریت



این صنایع عمدتاً به افراد خارج از منطقه واگذار شده است. حضور نخبگان بومی در این صنایع می‌تواند به بهبود ارتباط بین جوامع محلی و صنایع و همچنین افزایش منافع توسعه‌ای برای منطقه منجر شود. به نظر می‌رسد استاندار زارع می‌تواند در این حوزه نیز با اتخاذ تصمیمات صحیح، نقشی کلیدی ایفا کند.

لزوم تغییر رویکرد مدیریتی

توسعه پایدار و متوازن استان نیازمند تغییر رویکرد مدیریتی و تمرکز بر اصل شایسته‌سالاری است. استاندار زارع می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های انسانی جنوب بوشهر، تغییرات اساسی را در رویکردهای مدیریتی استان ایجاد کند. انتصاب نخبگان بومی و توزیع عادلانه فرصت‌های مدیریتی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی، کاهش نارضایتی‌های اجتماعی و ارتقای شاخص‌های توسعه‌ای استان کمک کند.

نتیجه‌گیری

مردم جنوب بوشهر که همواره با مشارکت گسترده در انتخابات و حمایت از دولت‌ها، نقش فعالی در تحولات سیاسی داشته‌اند، انتظار دارند که این اعتماد در انتصاب‌های مدیریتی و توزیع فرصت‌ها بازتاب یابد. اکنون این سؤال مطرح است که آیا جناب آقای ارسلان زارع، استاندار بوشهر، می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگان جنوب استان و تحقق عدالت منطقه‌ای، خواسته‌های مردم را برآورده کند؟ تصمیمات امروز مدیریت استان، نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده توسعه بوشهر خواهد داشت./ بانیان آبادی

هرگز تصور نمی‌کردید که روزی این میز مدیریتی را از دست می‌دهید!

مهسا متقی



مدیران گرامی، زمانی که بر مسند قدرت نشستید، شاید هرگز تصور نمی‌کردید که روزی این میز را از دست می‌دهید و این پست را ترک می‌کنید و صندلی شما به دیگری واگذار خواهد شد و شما به تاریخ خواهید پیوست! عمر ریاست شما به پایان می رسد، و در این گذر زمان، حقیقتی تلخ و شیرین در انتظار شماست.

نیروی جوان، با امید و آرزوهای بزرگ، همیشه در حال رشد و بالندگی است. آنها با شجاعت و اراده، آینده را می‌سازند و شما، به عنوان مدیران، در این مسیر نقش مهمی می توانستید داشته باشید. اما یادمان باشد که در این مسیر، برخی از شما با ظلم و نادیده گرفتن حقوق دیگران، نام نیک را به تاریکی سپردید.

خوشا به حال آنانی که با صداقت و نیک‌نویسی، راهی را هموار کردند و در دل‌ها جایی برای خود ساختند. اما برای آنانی که با ظلم و بی‌عدالتی، زخم‌هایی بر دل‌ها و روح‌ها گذاشتند، باید گفت که تاریخ قضاوت خواهد کرد.

یادمان باشد که هر کدام از ما می‌توانیم با اعمال و رفتار خود، نامی از خود بر جای بگذاریم. این نام، نه تنها در زمان حیات ما، بلکه پس از آن نیز در یادها خواهد ماند.

به امید روزهایی بهتر و آینده‌ای روشن‌تر برای همه ما، و به ویژه برای نسل‌های آینده که با امید و آرزو، در پی ساختن دنیایی عادلانه‌تر هستند.

قدردانی از انتصاب فرماندار جدید گناوه

جناب آقای دکتر زارع

استاندار محترم استان بوشهر

با سلام و احترام، بدین‌وسیله مراتب قدردانی و تشکر خود را بابت انتخاب شایسته و مدبرانه جناب آقای دانیال اسفندیاری به‌عنوان فرماندار شهرستان گناوه ابراز می‌داریم. بی‌شک این انتصاب، نشان از نگاه دقیق و آینده‌نگرانه حضرت‌عالی و مجموعه مدیریتی استان به ظرفیت‌های این شهرستان دارد. سوابق درخشان و توانمندی‌های مدیریتی ایشان، نویدبخش آغاز فصل جدیدی از توسعه و پیشرفت شهرستان گناوه خواهد بود.

امیدوارم با هدایت‌های ارزشمند جناب‌عالی و همراهی مردم شریف گناوه، شاهد تحقق برنامه‌های سازنده و ارتقای شاخص‌های مختلف در این شهرستان باشیم.

از حسن اعتماد و تصمیم ارزشمند حضرت‌عالی و معاونین معزز، صمیمانه سپاسگزاریم؛ برای شما و تیم مدیریتی استان آرزوی توفیق و سربلندی داریم.

(شورای راهبری و حامیان دکتر پزشکیان شهرستان گناوه)

متن سخنان علیرضا مظفری‌زاده در رونمایی از دو کتاب سید قاسم یاحسینی:

مخالفت شدید با درس خواندن دختران در مدارس نوین



به همه بزرگواران و سروران حاضر در جلسه سلام عرض می‌کنم و میلاد مسعود مولای متقیان امام علی علیه‌السلام و روز پدر را تبریک می‌گویم و از همه بزرگوارانی که موجبات برگزاری این مراسم را فراهم کردند تشکر می‌نمایم. خوشحالم که در یک محفل فرهنگی به منظور رونمایی از دو کتاب تازه انتشار یافته، با شرکت چهره‌های علم و ادب حضور یافته‌ام.

من فرهنگی به معنای دبیر آموزش و پرورش نبودم اما در سه سال تحصیلی در دبیرستان تدریس کرده ام. بار اول در سال تحصیلی ۱۳۴۷ – ۱۳۴۸ که دیپلم بودم و هنوز بیست سال نداشتم، در دبیرستان دریادار اردلان به مدیریت مرحوم جمال زیانی. دو بار هم بعد از انقلاب در دبیرستان سعادت. آشنایی من با مؤلف دو کتابی که قرار است امروز رونمایی شود – یعنی مورخ شهیر آقای سید قاسم یاحسینی –به سال‌های اول انقلاب برمی‌گردد؛ به میانه دهه ۱۳۶۰ و اولین دوره دانشگاه آزاد اسلامی. آن هنگام سید قاسم جوان بود و در صدا و سیمای مرکز بوشهر کار می‌کرد. با کمک ایشان خبرنگار رادیو بوشهر با مرحوم سید محمد صادق نبوی پدر مرحوم حجت الاسلام سید محمد حسن نبوی، مصاحبه کرد. مصاحبه درباره جنگ جهانی اول و مبارزات رییس‌علی دلواری و زایر خضرخان اهرمی. سیدصادق نبوی آن موقع حدود نود سال داشت. اگر اشتباه نکرده باشم آقای یاحسینی تا آن زمان هنوز هیچ کتابی منتشر نکرده بود. در کنگره ملی بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رییس‌علی دلواری در سال ۱۳۷۳ – آقای یاحسینی غیر از کار با اعضای هیئت علمی کنگره – نقش اطلاع رسانی را نیز بر عهده داشتند و چندین کتاب با همکاری ایشان منتشر شد. در کتاب «لوایح و سوانح» از آیت‌الله سید عبدالله مجتهد بلادی در زمینه خواندن متن کتاب، با ایشان همکاری کمی داشتم. آقای یاحسینی مشوق من در تدوین و چاپ خاطراتم در هفته نامه نسیم‌جنوب شدند؛ خاطراتی که بعدها به صورت کتاب درآمد. همچنین در تألیف کتاب‌های بعدی‌ام نیز راهنمایی‌های ارزنده‌ای داشته‌اند.

درخصوص تألیفات و کتاب‌های آقای یاحسینی چیزی نمی‌گویم. چون چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. به مصداق عطر آن است که خود ببوید نه آن‌که عطار بگوید، بوی دل‌انگیز کتاب‌های ایشان نه تنها فضای فرهنگی – تاریخی استان بلکه ایران را معطر کرده است.

امروز قرار است دو کتاب از آخرین تألیفات این نویسنده سخت‌کوش در این‌جا رونمایی شود. یکی درباره آموزش نوین دختران در بوشهر و دیگری زندگی‌نامه خانم شوکت سلامی یکی از اولین خانم مدیران مدارس بوشهر در سالیانی نه چندان دور. متاسفانه در روزگاری که مادیات برآن غلبه کرده است، کسانی که به کار فرهنگی بپردازند حکم کیمیا دارند. امروزه هیچ انگیزه‌ای جز شور و عشق نمی‌تواند انسان را به عرصه فرهنگ، تاریخ و پژوهش بکشاند. دو کتابی که قرار است امروز رونمایی شود، ویژه فرهنگ و آموزش و پرورش است. نمی‌دانم مدیر کل آموزش و پرورش یا معاونان ایشان در این جلسه حضور دارند یا نه، ولی اگر من به جای ایشان بودم آستین همت را بالا می‌زدم و نویسنده این دو کتاب را تحسین و تشویق می‌کردم و دست یاری و خریداری به سویش دراز می‌کردم و برای دلگرم کردن او این شعر وحشی بافقی را با صدای بلند می‌خواندم که:

اولین کس که خریدار شدش من بودم
سبب گرمی باز شدش من بودم

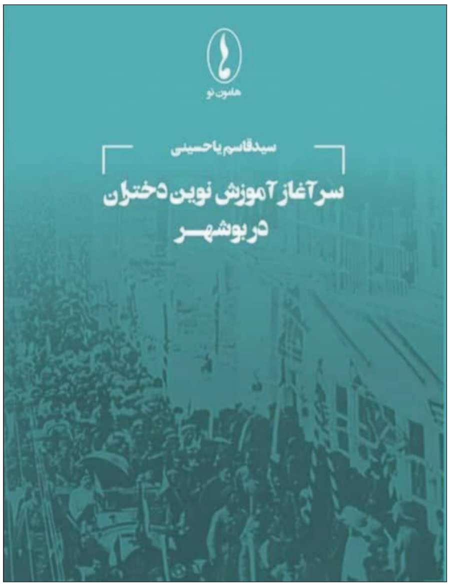
سخن درباره تاریخ، فرهنگ و ادب بسیار است و گفتن از این مقوله، کار شایستگان و اهل آن است. اما



همین قدر اشاره می‌کنم که کار در زمین فرهنگ نوین از آغاز آن، چندان آسان هم نبوده است. چه افرادی که با فداکاری و ایثار این راه پر سنگلاخ را پیمودند و آن را برای روندگان بعدی هموار ساختند. از میرزا حسن رشدیه می‌گذرم تا به سرزمین خودم برسم که چه کسانی و با چه دشواری‌هایی مدرسه سعادت را برپا کردند و این مشعل را تا امروز نورافشان نگه داشتند. باشد که در این پاراگراف کوتاه به این روش از دو نشریه محلی هم یادی کرده باشم؛ سنگلاخ و نورافشان.

از مدرسه سعادت گفتن بدون نام بردن از میرزا احمدخان دریابیگی حکمران بوشهر و بنادر و جزایر خلیج فارس، جفای به بنیان‌گذار مدرسه است و در کنار او، برادران سعادت یعنی شیخ محمدحسین و شیخ عبدالکریم که مجاهدانه در این راه کوشیدند و بعد از آنان مدیران و معلمانی که راه‌شان را ادامه دادند.

من در کار پژوهشی جدید خود که امیدوارم انشاءالله به همین زودی انتشار یابد نقبی به زندگی و زمانه حکمرانان بوشهر و بنادر جنوب زده‌ام و از آن میان به احمدخان دریابیگی توجه خاص داشته‌ام. طبیعی است که هر انسانی نقاط ضعف و قوتی دارد و او هم از این دو، بی نصیب نبوده است. در کتاب حکمرانان به مقوله فرهنگ از نظر حکمرانان توجه خاص داشته‌ام و هرجا حکمرانی را در پرداختن به کار فرهنگی و مدرسه‌سازی



دیده‌ام از او نگذشته‌ام.

در محدوده حکومت بنادر جنوب در اواخر عصر قاجار که از بندر دیلم در شمال بندر بوشهر تا سواحل مکران و چابهار را در بر می‌گرفته، غیر از مدرسه به سبک نوین، مکتب داری به شیوه قدیم هم معمول و متداول بوده است. برابر گزارشی که حسن ناجی رییس اداره فرهنگ بنادر جنوب در سال ۱۳۰۰ خورشیدی به تهران می‌فرستد، ۲۱ مکتب خانه در شهر بوشهر و محله‌های جبری و سنگی دائر بوده است. از این تعداد، معلم ۱۲ مکتب خانه خانم‌ها بودند مانند: ملا مکیه، مریم بیگم، آمنه بیگم و غیره و دانش‌آموزان هم یا دختران و یا مختلط.

اما این‌ها برای شهری چون بوشهر که در آن دوره دروازه تمدن خلیج فارس خوانده می‌شده بسیار ناچیز بوده است. لذا جمعی از علاقمندان که در رأس آنان شیخ محمدحسین سعادت است برای تأسیس مدرسه بنات یا آموزشگاهی ویژه دختران دست به کار می‌شوند. روشن است که برپایی مدرسه برای دختران با سنگ‌اندازی‌های زیادی همراه شود. وقتی کسانی

خواندن سوره یوسف را برای زنان و دختران مکروه می‌دانستند، طبیعی است که با رفتن آنان به مدارس نوین مخالفت کنند. ولی علیرغم کارشکنی‌ها و مشکل تراشی‌ها، افرادی که مصمم به این کار هستند از پای نمی‌نشینند تا این‌که در زمان حکومت غلامرضاخان اتابکی ملقب به وقارالملک حکمران بوشهر و بنادر، تلاش‌های مؤسسان مدرسه بنات یا دخترانه در اسفند ۱۳۰۳ به بار می‌نشیند و همان‌طور که آقای یاحسینی در کتاب خود آورده‌اند مراسم افتتاح روز بیستم اسفند که مصادف با روز ۱۵ شعبان و میلاد حضرت ولی عصر (ع) است، برگزار می‌گردد و مدرسه روز شنبه ۱۸ شعبان/ ۲۳ اسفند رسماً شروع به کار می نماید. در مراسم گشایش مدرسه افراد مختلفی صحبت می‌کنند که آقای یاحسینی سخنان بعضی از آن‌ها را آورده است. من هم در این فرصت، پایان‌بخش عرایضم را سخنان یکی بنیان‌گزاران مدرسه به نقل از شماره دیگری از روزنامه حبل‌المتین قرار می‌دهم. با توجه به حساسیت موضوع درس خواندن دختران در آن دوران خاص اواخر قاجاریّه، این عضو هیئت مؤسس، سخنانش را طوری بیان می‌کند که بهانه‌ای به دست مخالفان ندهد:

«بعد الحمد و الصلوات به محمد (ص) و آله الطاهرین. آقایان عظام، در این موقع که به میمنت و مبارکی، به همت و فتوت جمعیِ آقایان اعانه دهندگان، مدرسه بنات در بوشهر مفتوح میِ‌شود، فی‌الحقیقه در ارتقاء و تعالی معارف بنادر، یک تاریخ برجسته را به ودیعت می گذارد. هیچ‌گونه سوء تفاهمی نشود که ما می‌خواهیم اروپائی بشویم و رفع حجاب نمائیم و یا آن‌که مانند بعضی جوانان نامجرب، دم از تساوی حقوق زن و مرد بزنیم، بلکه مقصود اصلی و غرض اساسی ما، فقط تعلیم و تربیت نسوان و آشنا نمودن آن‌ها به اصول زندگانی و کیفیت خانه‌داری و آموختن طریقه‌ی تربیت اولاد و حفظ آداب تَستُر (پوشش، حجاب) و عفاف و تعلیم مسائل دین اسلام و مذهب حقه جعفریه است. ما مسلمانیم و اسلام‌دوست؛ یکی از آداب اسلامیت حفظ حجاب و تستر و عفاف است و رفع حجاب در نظر ما از محرمات و منهیات شرعیه است. از جمله مسلمات اولیه است که عظمت امم و سعادت ملل روی زمین، معادل با قوه عقلیه و علمیه افراد آن ملت است؛ و این قوه، موقوف به تعلیم و تربیت عمومی می‌باشد که تربیت و تعلیم عمومی موقوف به حسن تعلیم و حسن تربیت والدین است. بعد از تعلیم و تربیت پسران، تعلیم و تربیت دختران که مادران فردا هستند، برای تمام نوع بشر یک نوع مسئله حیاتی است. یکی از مهم‌ترین وظیفه‌ی اجتماعی زنان، وظیفه مادر شدن آنان است که نتیجه‌ی آن تکثیر نسل و تربیت فرزندان صالح است. از جمله چیزهایی که دانستن آن برای زنانی که به مقام مادری می‌رسند لازم است، مسئله حفظ صحت اولاد است. اگر از وظائف مادران، تنها همین مسئله را در نظر داشته باشیم، خواهیم فهمید که زن در زمان حمل و مخاض و رضاع (بارداری، زایمان و شیردادن به نوزاد)، دچار چه قدرها زحمت است و از این جهت است که شارع مقدس صلوات‌الله و سلامه علیه فرموده است: «الجنت تحت اقدام الامهات (بهشت زیر پای مادران است) ...» در خاتمه متذکر می‌سازد که سرپرستان و مربیان دوشیزگان در مدرسه؛ از قبیل مدیره، معلمه، خیاطه و خادمه، تماماً نساء تحصیل کرده و مهذب الاخلاق و خوش سابقه می‌باشند.»

منبع: هاشمی، سید عامر، برگی از تاریخ جنوب ایران، نسخه دیجیتال، ۱۳۷۴، به نقل از روزنامه حبل‌المتین، ۱۴ فروردین ۱۳۰۴، شماره ۹ صفحه ۸

کین آمدن از کجا و رفتن به کجاست



بشیر علوی، نویسنده، پژوهشگر ادبی و استاد دانشگاه: تلاش می‌کنیم که در این‌جا از رباعیاتی استفاده کنیم که خیامی‌تر باشد، یعنی این‌که انتساب این‌گونه رباعیات به خیام بیشتر مورد نظر و پذیرش خیام‌پژوهان قرار گرفته باشد. به همین دلیل رباعیاتی را انتخاب کرده‌ایم که در کتاب تازه منتشر شده استاد سیدعلی میرافضلی در زمره رباعیات اصیل خیام ذکر شده است. استاد میرافضلی بیشترین و بهترین پژوهش‌ها بر نسخه‌شناسی رباعیات خیام داشته است.

طبق اثر میرافضلی، «در دایره‌ای کآمدن و رفتنِ ماست / او را نه بدایت، نه نهایت پیداست / کسی می‌نزند دمی در این معنی راست / کین آمدن از کجا و رفتن به کجاست» (میرافضلی، ۱۳۹۹، ۱۶۷) از رباعیات اصیل خیام است. این رباعی در کتاب مرصاد العباد (قرن هفتم قمری)، سفینه کهن رباعیات (قرن هفتم قمری) مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار (قرن هشتم قمری)، سفینه نوح (قرن هشتم قمری)، طربخانه (قرن نهم قمری) و رباعیات خیام اسعد افندی (قرن نهم قمری) آمده است.

رباعی بالا در واقع ساختار فکری و ذهنی و حتی فرم شعری خیام را به زیبایی نشان می‌دهد و می‌توان گفت مضمون و باور و سرگشتگی موجود در این رباعی برخاسته از اندیشه‌های خودخواسته و اصیل خیامی است. اگر بخواهیم خیام را در اندکی از رباعیاتش بیابیم، یکی از آن رباعیات، همین رباعی است که در این یادداشت آمده است.

در همان مصراع اول وجود «دایره» نوعی سرگشتگی و بی‌پایان بودن امری را نشان می‌دهد. نوعی استعاره است که در همان مصراع اول اثر خودش را بر ساختار مفهومی رباعی قالب کرده است و به گونه‌ای برای بی‌سرانجام بودن و بی‌آغاز بودن هستی در همان آغاز مصراع اول جا خوش کرده است. دنیایی که اول و آغاز آن و حتی آمدن و رفتن ما در آن مشخص و معلوم نیست، سوالی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. همین سوال فلسفی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی ذهن خیام است و در بیت دوم نوعی پرسش و چالش دیگری پیش می‌آید. آمدن از کجا و رفتن به کجا بوده و به کجا خواهد رسید. همین سوال را از مولانا نیز در بیت:

«روزها فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتنم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود
به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم»

یا سوالی که در ذهن عطار نیز وجود داشته است: «سرگشته در این دایرهٔ بی در و بام / نآمده بر مراد و نارفته به کام» (مختارنامه، ۱۲۹) همین سوال را عطار در الهی‌نامه نیز مطرح کرده است: «چو نه انجام پیداست و نه آغاز / نیابد کس سر و پای جهان باز» (الهی‌نامه، ۳۲۶).

البته خیام در رباعی‌های متفاوتی چند و چون برخورد با این سرگشتگی و دوگانگی را به زیبایی مطرح کرده است. از آن جمله در رباعی زیر که منسوب به خیام است:

«ای آمده از عالم روحانی تفت
حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت
می نوش، ندانی ز کجا آمده‌ای
خوش باش، ندانی به کجا خواهی رفت»

این گونه سوال‌ها نوعی اندیشه‌ورزی آگاهانه است که از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر است که در طول تاریخ همواره در ذهن انسان‌ها نقش بسته شده که تاریخ انسان از کجا بوده و به کجا خواهد رسید و اصلاً چرا آمده است و چرا باید برود. با وجود این‌که کتب مقدس در این زمینه جواب‌های ارزشمندی ارائه داده‌اند، منتهی هنوز ذهن بشر درگیر این پرسش زیبا و همه‌گیر فلسفی است.

برای پاسخ به این پرسش‌های بشر در طول تاریخ، علوم پاک و ارزشمندی به‌وجود آمده‌اند. از جمله آن علوم، دانش الهیات یا فلسفه علیا است که مابعدالطبیعه نیز گفته می‌شود که در پی یافتن پاسخی برای علت نهایی آفرینش موجودات و جهان هستی و چگونگی وضعیت انسان‌ها در این دنیاست. از اهداف این علم، یافتن نقش انسان در جهان هستی است و در نهایت، این علم می‌خواهد به سه پرسش اصلی بشر پاسخ دهد که این جهان از کجا آمده، برای چه آمده و هدف نهایی و مقصود آفرینش این جهان و موجوداتش چیست؟

در واقع تولید این علم برای رسیدن به پاسخ همین دغدغه‌ها و پرسش‌هایی است که خیام در این رباعی مطرح کرده است. دغدغه‌ای که خیام از خود یا هر انسان دیگری یا از هستی و خالق هستی می‌پرسد. در این دنیایی که وسعت و آغاز و انجامش مشخص نیست، افزون بر این‌که انسان هنوز سرگشته این موضوع و سوال است، پرسش بعدی نیز مطرح می‌شود که انسان از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت.

سید میرافضلی اشاره کرده که واژه «در این معنی» معادل «در این مورد» در گفتار امروز است؛ یعنی اینکه کسی در این مورد حرف درست و راست و قابلی نمی‌زند. به عبارت دیگر، از نظر خیام در این رباعی هیچ کسی نتوانسته بشر را به صورت دقیق و بدون هرگونه شبهه‌ای نسبت به این دغدغه‌ها قانع کند یا این‌که به این پرسش‌ها پاسخ دهد./ (ایبنا)

واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول

دکتر حمید اسدپور



پایداری و دفاع در تاریخ ایران سابقه طولانی دارد. اهمیت این موضوع در تاریخ معاصر بیشتر می‌باشد. در این دوره با ضعف حاکمان ایرانی در برابر سیاست‌ها و تهاجمات بیگانگان از یک سو با ترکیب ارزش‌های دینی و مذهبی با ارزش‌های وطنی و ملی از سوی دیگر مساله دفاع و پایداری، جایگاه دوچندانی یافته است. به رغم ضعف دولت مرکزی ایران، مردم در مناطق مختلف کشور، حماسه‌هایی در برابر استعمارگران خلق کردند. یکی از این مناطق،کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس به ویژه استان کنونی بوشهر می‌باشد که کانون مهمی در برابر اشغال ایران توسط بیگانگان در جنگ جهانی اول بود. مقاومت و پایداری این مردم در برابر بیگانگان به یک مولفه اساسی در فرهنگی ناحیه تبدیل شده است. به رغم فداکاری و پایداری مردمان این منطقه در برابر استعمار انگلیس، این پایداری در رسیدن به اهداف اساسی خود ناکام ماند. تاکنون به جنبه‌های مختلف مقاومت و پایداری مردم بوشهر، دشتستان، دشتی و تنگستان در برابر انگلیس پرداخته شده است و این جنبه‌ها در شعر، ادب و پژوهش نمود فراوانی یافته است. اما با وجود تحقیقات ارزشمند در این زمینه، ماهیت و آرایش این پایداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش به بررسی ماهیت، مواضع و آرایش سیاسی نیروهای محلی این دوره از تاریخ ایران پرداخته می‌شود. سوال اساسی این است که ماهیت و مواضع نیروهای محلی مناطق نام برده شده در فوق، در این مقطع تاریخی چگونه بوده است و چه تأثیری بر پایداری آنان در برابر انگلیس داشته است؟ به نظر می‌رسد که گرایش‌ها و منافع سیاسی و اقتصادی مختلف نیروها و روسای محلی این مناطق به شکلی بود که سبب دودستگی و تفرقه در میان نیروهای مقاومت گردید و این مساله در ناکامی این نهضت در برابر انگلیس تأثیرگذار بود. از سوی دیگر تضاد منافع سیاسی و اقتصادی سبب تقسیم‌بندی کلی روسای محلی این ناحیه به دو نیروی شمال و جنوب شد که در جنبه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به رقابت با یکدیگر پرداختند. همچنین ضعف شدید دولت مرکزی ایران این فرصت را در اختیار گروه‌ها و روسای محلی قرار داد تا به دنبال رسیدن به منافع سیاسی و اقتصادی خود باشند که این مساله نیز بر جریان پایداری در جنوب و رقابت‌ها و قدرت‌طلبی‌های روسای محلی تاثیر گذاشت. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که تضاد منافع در جهات مختلف در میان روسای محلی، سبب شکل‌گیری آرایش سیاسی متفاوت و گاهی متضاد با یکدیگر در برابر انگلیس شد و رقابت‌های این روسای محلی را تشدید نمود.

انگلیسی‌ها نیز ضمن بهره‌گیری از این اختلافات بر دامن زدن به آن‌ها تلاش کردند. مجموعه این عوامل به همراه فقدان زیرساخت‌ها در نهضت مقاومت مردم جنوب، سبب شد تا این نهضت در رسیدن به اهداف خود ناکام شود.

تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد جنگ جهانی اول صورت گرفته است و اسناد متعددی از این واقعه نیز منتشر گردیده است که بخشی از آن‌ها مربوط به نواحی جنوبی ایران به ویژه کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس می‌باشد. از آن جمله اسناد وزارت داخله(۱۳۶۹) به کوشش کاوه بیات، اسناد جنگ جهانی اول در ایران(۱۳۷۰) به کوشش بهروز قطبی، اسنادی در مورد هجوم روس و انگلیس به ایران(۱۳۷۰) گردآوری شده توسط محمد ترکمان و اسناد و مکاتبات آیت الله سید عبدالحسین لاری(۱۳۸۶) به کوشش دکتر محمد باقر وثوقی می‌باشد. در این مجموعه‌ها به شکل



پراکنده می‌توان اسنادی در مورد ماهیت و آرایش سیاسی نیروهای پایداری بوشهر در برابر انگلیس یافت. از دیگر تالیفات مهم در این مورد می‌توان به آثار نویسندگان و پژوهشگرانی مانند علیمراد فراشبندی (۱۳۶۲)، محمد مضطر(۱۳۷۳)، سید قاسم یا حسینی (۱۳۹۱)، محمد حسین رکن‌زاده آدمیت(۱۳۵۷)، احمد فرامرزی (۱۳۷۷)، جمشید صداقت‌کیش(۱۳۹۴) و حمیداسدپور (۱۳۹۰) اشاره نمود. به رغم پژوهش‌های ارزشمند صورت گرفته شده در آن‌ها کمتر به دلایل ناکامی مقاومت پرداخته شده است. هرچند در برخی از آنان به شکل بسیار مختصر و گذرایی اشاراتی صورت گرفته است.

ضعف دولت مرکزی و پراکندگی نیروهای پایداری در جنوب

یکی از عوامل و زمینه‌های پراکندگی سیاسی و ایجاد تفرقه در میان گروه‌های مقاومت در جنوب ایران، وضعیت سیاسی کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج‌فارس در آستانه جنگ جهانی اول و پس از آن می‌باشد. به واقع ضعف دولت مرکزی از یک سو و فقدان تسلط لازم از سوی حکمران بنادر جنوب در این نواحی سبب شد تا روسای محلی در اندیشه بسط و نفوذ خود و به دست آوردن منافع بیشتری باشند. این روسا در پی به دست آوردن این منافع به رقابت و تضاد با یکدیگر پرداختند. اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه به ویژه انگلیس، به رغم بی‌طرفی ایران بر این مسئله دامن می‌زد. با وجود آن‌که مستوفی‌الممالک نخست وزیر ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرد و این بی‌طرفی به همه حکام و مأموران سیاسی مناطق مختلف در ایران ابلاغ شد ولی باز هم ایران عرصه رقابت‌های دول متعدد گردید. در بیانیه اعلام بی‌طرفی نیز عنوان شده بود که «مأموران سیاسی باید متوجه باشند که نباید برا و بحرا، کمک و همراهی و یا ضدیت با یکی از دول متخاصم نموده و یا اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین، تدارک یا حمل کنند.

با وجود بی‌طرفی ایران در آستانه جنگ جهانی اول، نواحی مختلف کشور و به ویژه نواحی جنوبی در آشفتگی کامل به سر می‌برد. علاوه بر ضعف دولت مرکزی در این نواحی، دخالت‌های فزاینده انگلیس نیز خود زمینه‌ساز این آشفتگی گردیده بود. دولت انگلیس از مدت‌ها پیش از جنگ جهانی، نفوذ کاملی در خلیج‌فارس یافته بود و به نوعی خود را حاکم بلامنازع خلیج فارس تلقی می کرد. چنان که در سفر لردکرزن به عنوان فرماندار کل هندوستان به این نواحی، وی در ورود به بندرلنگه و بندرعباس به بهانه آسیب دیدن پایش حاضر به پیاده شدن از کشتی و دیدار با مقامات ایرانی نشد و به نوعی به تحقیر ایرانیان پرداخت. در حالی که او در همان سفر در بنادر مسقط، کویت و بحرین از کشتی خود پیاده شده بود و ضمن دیدار با روسای این نواحی، حاکم بحرین را صاحب‌البحرین خواند و به طور ضمنی حاکمیت ایران بر این جزیره را به رسمیت نشناخت. او در سفر به بوشهر نیز سعی نمود بدون اجازه دولت مرکزی و بر خلاف برنامه‌هایی که جهت بازدید وی پیش‌بینی و تدارک دیده شده بود، اقدام کند که با مخالفت حاکم فارس روبه‌رو شد. ولی مظفرالدین شاه و دربار او نگران عکس‌العمل دولت انگلیس بودند و بارها در نامه‌های مفصلی، شرح این وقایع و دلایل خود را برای انگلیسی‌ها توضیح دادند.

بنابر گزارشات مأموران سیاسی انگلیس در نواحی جنوبی ایران، افرادی به عنوان راهدار و تحت حمایت روسای محلی در مسیر راه‌ها مستقر می‌شدند و با متوقف کردن کاروان‌ها به اخذ عوارض راهداری سنگین می‌پرداختند. علاوه بر این گروه‌ها، وجود راهزنان نیز سبب ناامنی راه‌های جنوب و رکود تجارت در این نواحی گردیده بود و به این ترتیب درآمدی نصیب دولت مرکزی از این نواحی نمی‌شد. هرچند باید گفت که اقدامات این روسای محلی معلول شرایط پیچیده‌ای است که یکی از علل آن اشغالگری انگلستان در جنوب ایران می‌باشد. در این دوره اگر کالایی هم وارد جنوب می‌شد یا به غارت می‌رفت یا پس از مدتی به علت ناامنی ورود آن‌ها از سر گرفته نمی‌شد. ادامه دارد...

دادن کفن، به‌جای افروختن چراغ قدرشناسی

سعیده حسنی



امروز چیزی دیدم که باورش دشوار بود. نمی‌توانستم چشم‌هایم را به آن‌چه می‌دیدند، قانع کنم. انسان‌هایی که سال‌ها در سایه تلاش و استواری خویش، چراغ علم و هنر و ادبیات را فروزان نگه داشته‌اند، به آغوش رسانه‌ای فراخوانده می‌شوند که می‌بایست مرثیه‌خوان شکوه آنان باشد. اما چه هدیه‌ای نصیب‌شان می‌شود؟ کفن و آگهی خاموشی.

این حقیقت تلخ، نه تنها مایه اندوه است، بلکه زخم عمیقی بر پیکره فرهنگی‌ست که ریشه‌هایش در خاک اندیشه و فرزانگی می‌بالد.

چگونه می‌توان پذیرفت که مرگ، تنها مقطع درخشش حضور این بزرگان باشد؟ آیا این رسم روزگار است که انسان‌های فرهیخته، تنها در خاموشی، شایسته توجه شوند؟ رسانه، که باید آیینه‌دار تلاش و روشنایی باشد، چگونه به چراغی بی‌نور بدل گشته است؟ کاش این بزرگان، پیش از آن‌که در خاک آرام گیرند، در احترام دل‌ها جای می‌گرفتند. کاش صدایَ زندگی‌شان، پژواک امید و آگاهی می‌بود، نه انعکاس خاموشی و نبودن.

این روایتِ تکراری فراموشی، زخمی‌ست بر روانِ فرهنگی که اگر امروز درمان نشود، فردا دیگر جانی برای ایستادن نخواهد داشت.

چه حسرت‌بار است که رسانه، این نگین حقیقت‌پراکن و حافظ اندیشه، به‌جای افروختن چراغ قدرشناسی بر قامت بلند بزرگان این دیار، کفن و آگهی خاموشی را نثارشان می‌کند.

رسانه‌ای که می‌بایست منادی حیات علم و هنر باشد، چگونه به مأوای سکوت بدل گشته است؟ آیا رسالتش جز این بود که صدای جان‌بخش فرزانگان را پیش از پژمردن، در گوش جهان طنین‌انداز کند؟

چگونه پذیرفتنی‌ست که قامت بلند آنان تنها در آستانه نیستی، در قاب‌هایی سیاه به یاد آورده شود؟ آیا مرگ، آغاز شأن و منزلت است یا آینه‌ای از غفلت‌های ما؟

رسانه، اگر نمی‌تواند فانوس راه باشد، کاش به آینه‌ای بدل شود که شکوه این بزرگان را پیش از خاموشی، در آغوش حیات نمایان سازد.

کاش صدای گام‌های پرصلابتشان پیش از آن‌که در سکوت خاک محو شود، در گوش دل‌ها و جان‌ها طنین می‌افکند و به یادمان می‌آورد که زندگی آنان، چراغی‌ست برای جاودانگی.

چقدر مایه تأسف است که رسانه‌ای که می‌بایست چراغ راه فرهنگ و هنر باشد، تنها کفن و آگهی ترحیم به بزرگان این مرز و بوم هدیه می‌دهد.

رسانه‌ای که قرار بود صدای اندیشه باشد، مأمن فرزانگان و آیینه‌دار شکوهِ علم و ادب، چگونه به مرز



خاموشی و فراموشی رسیده است؟

آیا رسالت رسانه همین است که جایگاه انسان‌های بزرگ را نه در حیات‌شان، که در نبودن‌شان پاس بدارد؟

کاش این سرزمین، پیش از آن‌که قامت بلند فرزانگانش در سکوت خاک آرام گیرد، صدای گام‌های آنان را در میدان‌های زندگی می‌شنید.

رسانه، اگر چراغ نیست، لااقل آینه باشد؛ آینه‌ای که بازتابنده روشنایی وجود آنان پیش از خاموشی باشد.

احمد میدری خبر داد:

راه‌اندازی اولین مرکز آموزش‌مهارت‌های پیشرفته فنی‌وحرفه‌ای در عسلویه

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد: تفاهم نامه راه‌اندازی نخستین مرکز هیات امنایی آموزش‌مهارت‌های پیشرفته سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور در استان بوشهر و شهرستان عسلویه با سرمایه‌گذاری هزار میلیارد ریالی امضا شد.

به گزارش ایرنا از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، احمد میدری در این باره گفت: این مرکز در راستای رویکرد جدید آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، در جهت توسعه منطقه‌ای، بهبود زیرساخت‌های آموزشی، بسط عدالت آموزشی و بر پایه مهارت‌های تقاضامحور راه اندازی می شود.

به گفته وی، تفاهم نامه راه‌اندازی اولین مرکز هیأت امنایی آموزش‌مهارت‌های پیشرفته سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور در استان بوشهر و شهرستان عسلویه با سرمایه‌گذاری هزار میلیارد ریالی هلدینگ خلیج فارس در تأمین تجهیزات و منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی در تأمین ساختمان (بنایی بیش از سه هزار متر مربع) برای آموزش و تربیت نیروی مورد نیاز صنایع نفت و گاز و پتروشیمی امضا شده است.

۲ اثر جدید نویسنده بوشهری رونمایی شد



دو اثر جدید سیدقاسم یاحسینی، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار جنوب در آیینی به همت کتابخانه عمومی خلیج فارس رونمایی شد.

به گزارش ایرنا، کتاب‌های «بانو شوکت سلامی؛ پیشگام آموزش و ژورنالیسم زنان در بوشهر» و «سرآغاز آموزش نوین دختران در بوشهر» نوشته سیدقاسم یاحسینی که به تازگی از سوی انتشارات «هامون نو» راهی بازار کتاب شده است با حضور شماری از علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی رونمایی شد.

سیدقاسم یاحسینی در بخشی از کتاب «بانو شوکت سلامی؛ پیشگام آموزش و ژورنالیسم زنان در بوشهر» که نمایانگر زیست ژورنالی و آموزشی شوکت سلامی، بنیانگذار آموزش نوین برای دختران در بوشهر است، آورده است: «کتاب حاضر، ویژگی متفاوت‌تری نسبت به «صد سال مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در روزنامه نگاری ایران» و همچنین «زن بوشهری در جنگ و فرهنگ» دارد.

وی نوشته است در بازنگری انتقادی، براساس اسناد و مدارک نویافته و جدید و همچنین تحلیل آن داده‌های خام با مطالب اصلی، متوجۀ برخی خطاهای تاریخی و اشتباهات و در عین حال عجیب خودم در تحقیقات پیشین شدم. متاسفانه این مطالب، عینا از سوی «محققانی» که مطلبی در بارۀ بانو شوکت سلامی نوشتند، بدون آوردن منبع یا در مواردی خیلی کم با ذکر منبع، تکرار شده است.

این مورخ همچنین در بخشی از مقدمه کتاب «سرآغاز آموزش نوین دختران در بوشهر» نیز نوشته است: «از جمله موضوعات کاویده نشده، تاریخ شکل‌گیری نخستین مدرسه دخترانه نوین در بوشهر و موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و حتی گفتمانی مقابل آن و همچنین تلاش و مساعی جمعی از فرهیختگان و روشنفکران طالب آموزش و ترقی نسوان در بوشهر است.

تا امروز، به طور دقیق و توام با جزئیات، نمی‌دانیم چه‌طور اولین مدرسه دخترانه در بوشهر شکل گرفت، چه کسانی پیشگام این راه بودند، سهم خود زنان بوشهری در این راستا چه اندازه بود، اولین معلم زن در بوشهر چه کسی بود، و تاریخ دقیق افتتاح و راه‌اندازی این مدرسه چه زمانی بوده است.

پیشینه نخستین آموزش نوین دختران و تکاپوهای اقلیت‌های مذهبی چون ارامنه و یهود در بوشهر نیز جای کاری جدی و همه جانبه دارد و حرف‌ها برای گفتن و روایت کردن!

در ایامی که سرگرم تألیف کتابی در باب تاریخ زندگی و احوالات و کارنامه آموزشی و ژورنالیستی بانو شوکت خانم سلامی بودم، حس کردم به عنوان مقدمه هم شده، باید چنین تاریخی را تدوین و تحلیل کنم.

از این روی با قلّت منابع و کثرت طرح‌های نیمه‌تمام تحقیقاتی خودم، دل به دریا زده و شروع به تحقیق و تفحص و پُرس و جو از دوستان محقق شدم.

مصاحبه نسیم جنوب با سمیه ناصری، هنرمند بوشهری:

هنری برای به نظم کشیدن بی‌نظمی‌ها

مصاحبه از احمد موسوی‌زاده



-. لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– سمیه ناصری هستم، ۴۳ سال سن دارم و کارمند معاونت بهداشت دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر هستم.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– نقاشی خط.

– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟

– سال ۱۴۰۱ با دیدن عکس‌های جشنواره چترنویسی خانم کرمانی به کالیگرافی علاقمند شدم.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– خط ثلث و کوفی و تکنیک‌های نقاشی خط را پیش خانم کرمانی آموزش دیدم و سبک خطاشی را پیش استاد ملک زاده، خالق سبک خطاشی، در دوره مقدماتی و پیشرفته گذراندم.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

–قطعا مردم بوشهر مردمی هنر دوست و با ذوق هستند و در دو سال برگزاری نمایشگاهی که من شرکت کردم، استقبال خوبی صورت گرفت.

– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟

– خانواده‌ام و دوستانم.

– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟

– قطعاً در هنر هرچقدر پیش بروید، باز هنرجویی خواهید بود، ولی دوست دارم برای زمان بازنشستگی گالری هنری داشته باشم.

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند، دارید؟

– تمرین، تمرین و تمرین.

– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟

–قطعاً برگزاری بیشتر نمایشگاه‌ها در شناساندن این هنر به مردم سهم بسزایی دارد.

– سخن پایانی؟

– در واقع هنر کالیگرافی هنر به نظم کشیدن بی‌نظمی‌هاست، هنر کنترل ذهن و توسعه آرامش فردی.

مصاحبه نسیم جنوب با حمید پارسامهر، هنرمند بوشهری:

برای یادگیری هنر هیچ وقت دیر نیست

– لطفاً خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– من حمید پارسامهر هستم، متولد اسفند ۶۰. محل تولدم روستای بنار آزادگان از توابع شهر آبپخش است. کارمند دانشگاه آزاد هستم و در زمینه قهوه‌ساز صنعتی نیز فعالیت می‌کنم.

– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟

– حدود شش سال است که در زمینه هنر خطاطی فعالیت دارم. من بیشتر در زمینه خط نستعلیق تحریری فعالیت می‌کنم و همچنین خط معلی نیز کار می‌کنم.

– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟

– شاید برای‌تان جالب باشد که من تا قبل از ۳۷ سالگی در هیچ زمینه هنری فعالیت نمی‌کردم. از آن‌جا که کارمند دانشگاه آزاد اسلامی جزیره خارگ بودم و عصرها وقت آزاد داشتم، یک روز با خودم گفتم باید در یک زمینه هنری فعالیت کنم و یاد بگیرم. به‌طور اتفاقی در ۳۰ بهمن ۹۷ پیش یکی از دوستان خط خودکاری دیدم و از آن روز شاید برای خیلی‌ها غیرقابل‌باور باشد، ولی روزانه معمولاً شش الی هشت ساعت تمرین می‌کردم. از همان تاریخ تا آخر شهریور ۹۸، من سه مدرک خط تحریر را قبول شدم.

– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟

– خط تحریر را که بدون استاد کار کردم و بعد از گرفتن سه مدرک، شاگرد آنلاین استاد فراهانی بودم. در زمینه خط معلی، شاگرد استاد فاطمی و نقاشی‌خط هم پیش سرکار خانم کرمانی آموزش دیده‌ام.

– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– باید قبول کنیم کمتر دیده‌ام که جوان‌ها به سمت هنر گرایشی داشته باشند.

– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟

– همسر عزیزم مشوق اصلی من در این زمینه بوده‌اند چرا که خودشان نیز هنرمند هستند و در زمینه سیاه قلم فعالیت می‌کنند.

– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟

– بیشتر به خاطر آرامشی که از هنر می‌گیرم، دنبالش می‌کنم.

– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟

– بیشتر خود هنرمندان هستند که از یکدیگر حمایت می‌کنند تا...

– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقه‌مند به این رشته هنری هستند، دارید؟

– با توجه به اینکه خودم در ۳۷ سالگی شروع کردم، این را باید عرض کنم که برای یادگیری هنر هیچ وقت دیر نیست.

– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟

– بی‌شک علاوه بر حمایت مسئولین، تلاش خانواده‌ها برای سوق دادن فرزندانشان به سمت و سوی هنر نیز لازم است. باید بپذیریم که کمتر خانواده‌ای فرزندانش را تشویق به هنر می‌کند و این یک ضعف بزرگ در جامعه ماست.

– سخن پایانی؟

– آرزوی سلامتی برای همه مردمان سرزمینم دارم.



سلمان بهبهانی؛ قهرمانی ملی با پای برهنه!

امید زاهد



سلمان نام شخصی بود که در خانه‌ای در محله بهبهانی بندر بوشهر و محلی معروف به طاق بهبهانی(حوالی خیابان ششم بهمن در حوالی منزل عبدالرحیم جعفری) و نزد حاج باقر بهبهانی بازرگانان سرشناس بوشهری خدمت و زندگی می‌کرد. در آن حوالی ساختمان نیروی دریایی واقع بود که به هنگام افطار و سحر صدای توپ برای روزه داران در هنگام اوقات شرعی شلیک می شد.

گفتنی است حاج باقر بهبهانی فرزندی به نام ماشاالله داشت. ماشاالله سهام‌دار چند شرکت تجاری از جمله در شیراز و نیز کارخانه اعتمادیه بندر بوشهر و سپس رییس اتاق بازرگانی شیراز بود.

در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی سلمان بهبهانی به همراه خانواده حاج‌باقر بهبهانی به شیراز رفت. او خواهری هم داشت که به نام مشهدی حلیمه معروف بود. او تا آخر عمر ازدواج نکرد و در بندر بوشهر در خانه‌ای متعلق به حاج غلامعلی شریفیان(پدر عبدالحسین شریفیان مترجم بوشهری) در نزدیکی تجارتخانه قدیمی ایرانی به صورت رایگان و البته با مقرری که از سوی خانواده حاج باقر بهبهانی از شیراز به دستش می رسید، زندگی می کرد. در محل به پاس این‌که او شخصیتی بسیار مؤدب و بانزاکت و محترم بود، او را عمه حلیمه صدا می زدند. همچنین او در برپایی مجالس روضه‌خوانی اهتمام ویژه ای داشت.

اما سرنوشت برادر مشهدی حلیمه سلمان بهبهانی کاملا متفاوت بود. سلمان بهبهانی در بیشتر تصاویر برجای مانده از ورزشکاران مدرسه سعادت مظفری بندر بوشهر حضور داشت. او از ارکان اصلی تیم‌های ورزشی مدرسه بود. استعداد زیادی داشت.

وقتی با خانواده حاج باقر بهبهانی به شیراز رفت، فعالیت‌های ورزشی را از پی گرفت. به طوری که چندی بعد در سال ۱۳۲۶ خورشیدی موفق شد مدال طلای دوومیدانی کشور را به همراه ابراهیم گلستان از آن خود کند. او با پای برهنه می دوید.

مجله نیرو و راستی عکسی از او، در صفحه اول خود منتشر کرد.



توضیح عکس: تصویر سلمان بهبهانی رکوردار دو صد قهرمانی کشور سال ۱۳۲۶ بر روی جلد هفته نامه نیرو و راستی چاپ تیرماه ۱۳۲۶.

سلمان بهبهانی از مربیان دو و بدنسازی باشگاه روئین شیراز از زمان افتتاح آن در سال ۱۳۲۶ برای اولین بار در سال ۱۳۱۹ با تیم دو و میدانی شیراز به همراه ابراهیم گلستان در مسابقات دوی امدادی چهار در صد متر کشور به قهرمانی رسیده بود.

عکس اول از @rezfa.collection

عکس‌های بعدی سلمان بهبهانی با علامت قرمز رنگ مشخص شده است.

آرشیو بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر.









هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰ – ۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب – تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ – ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

خداحافظی اسطوره بوشهری فوتبال ساحلی ایران از دنیای بازی



مسلم مسیگر، کاپیتان پرافتخار و چهره ماندگار فوتبال ساحلی ایران، در دیداری که میان تیم ملی فوتبال ساحلی ایران و بلاروس در ورزشگاه ساحلی دهکده گردشگری بوشهر برگزار شد به‌طور رسمی از دنیای فوتبال خداحافظی کرد.
به گزارش ایرنا، این مراسم باشکوه که هم‌زمان با پیروزی ۲ بر ۱ تیم ملی ایران برابر بلاروس برگزار شد، با حضور گسترده مسئولان، تماشاگران و چهره‌های ورزشی به لحظه‌ای تاریخی برای فوتبال ساحلی ایران تبدیل شد.
مسیگر با ۱۸ سال حضور مستمر در تیم ملی فوتبال ساحلی ایران، توانست در ۱۹۱ بازی ، ۲۰۰ گل به ثبت برساند و عناوین پرافتخار متعددی را کسب کند. مسلم مسیگر با تیم ملی ایران، دو دوره قهرمان جام بین‌قاره‌ای، نایب‌قهرمانی جام جهانی فوتبال ساحلی (۲۰۱۷) و مقام سوم جام جهانی فوتبال ساحلی (۲۰۱۳) دست یافت و قهرمان چندین دوره مسابقات قهرمانی فوتبال ساحلی آسیا شد. او را به پرافتخارترین بازیکن فوتبال ساحلی ایران و پرافتخارترین بازیکن فوتبال ساحلی در ادوار جام جهانی و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این رشته در جهان تبدیل کرد.

از کوچه‌های خاکی تا پرچم‌داری فوتبال بوشهر

ولید صفری



در دهه‌های گذشته، در خیابان‌های قدیمی بوشهر، صدای بازی بچه‌ها با توپ‌های پلاستیکی پنج ریالی در گرمای طاقت‌فرسای تابستان و زمستان‌های استخوان‌سوز به گوش می‌رسید. کوچه‌هایی که با لهجه‌های محلی و شور و شوقی بی‌پایان، روایتگر قصه‌هایی از رویاهای بزرگ بودند. بچه‌هایی که با دل‌های پر از امید، بدون آن‌که بدانند، در گوشه‌ای از ذهن خود آرزوهای دور و درازی را می‌پروراندند؛ آرزوهایی که شاید روزی آنان را به میادین بزرگ و کنار بزرگان فوتبال برساند. آن توپ‌های کوچک، بهانه‌ای بودند برای پرواز در آسمان رویاها. کوچه‌ها برای آن‌ها چیزی بیش از یک زمین بازی بودند؛ جایی برای پرورش عشق، شکل‌گیری شخصیت، و پیدایش امید. از دل همین کوچه‌ها، راهی به مدارس فوتبال باز شد، راهی که برای این بچه‌ها نه تنها یک سرگرمی، بلکه فرصتی طلایی برای زندگی بود. آنان در سایه شور و اشتیاق‌شان، زمین‌های خاکی را با خیالات‌شان روشن کردند، بدون این‌که بدانند این تلاش‌ها روزی صدای آن‌ها را به گوش همه خواهد رساند.



از آموزشگاه‌ها تا ابتدایی‌ترین مسابقات محلی، این کودکان با عشق به فوتبال زندگی می‌کردند. هر ضربه به توپ، فریادی بود از آرزوهای بزرگ، هر دویدن در زمین خاکی، گامی بود به سوی فردایی روشن‌تر. در نگاه مردم شاید آن‌ها فقط کودکانی بازیگوش بودند، اما در ذهن خودشان، قهرمانانی بودند که برای رؤیای بزرگ‌شان جنگیدند.
امروز، نام‌هایی که از آن دوران به یاد مانده‌اند، مثل ستاره‌هایی در آسمان فوتبال بوشهر می‌درخشند: علی اخلاقی، شاپور کاظمی، و علیرضا طارمی و... مردانی که روزی همان پسران کوچک بودند و با غیرت و تلاش، جوانی خود را وقف ساختن آینده‌ای کردند که در قلمرو فوتبال استان و ایران جایگاهشان را تثبیت کند. آن‌ها پرچم‌داران افتخار بوشهر شدند، نام‌هایی که در کنار بزرگان دیگر، یادآور روزهای طلایی و زمین‌های خاکی است.این قصه، چیزی فراتر از یک روایت ورزشی است؛ این داستان، حکایتی است از ایمان، از عشق، و از تلاش بی‌وقفه. حکایتی که هنوز هم در دل کوچه‌های بوشهر، با صدای بچه‌هایی که با شور و اشتیاق دنبال توپ می‌دوند، زنده است.

توضیحات دکتر عبدالرسول عمادی در مورد انتصاب مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر

نه به صورت رسمی نه غیررسمی هیچ ارتباطی با آموزش و پرورش ندارم



نظر به این که هرازگاهی در بحث انتخاب مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر نامی از اینجانب به میان می‌آید و به گونه ای موضوع رسانه‌ای می شود که گویا حقیر نقشی تعیین کننده در انتخاب مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر دارم لازم است نکاتی را عرض کنم.
یک: اینجانب نه به صورت رسمی و نه غیر رسمی هیچ ارتباطی با وزارت آموزش و پرورش ندارم. گاهی مانند یک شهروند عادی که با برخی مسئولین آشناست برای پیگیری گرفتاری های مردم با برخی مسئولان در آن دستگاه تماس می گیرم.
دو: رویه کمیته انتصابات وزارت آموزش و پرورش در این دوره برای انتخاب مدیرکل استان ها این گونه است که از تشکل های سیاسی فرهنگیان و ستاد آقای پزشکیان پیشنهاداتی دریافت می کنند. ممکن است از سوی افراد یا تشکل‌های دیگر نیز کسانی معرفی شوند و حتی افراد خودشان می‌توانند با ارسال رزومه خویش نامزد مدیرکلی استان بشوند و کمیته وضعیت آن‌ها را نیز بررسی می کنند. ظاهرا پس از بررسی اولیه حدود پنج نفر از آن‌ها را به مصاحبه دعوت می‌کنند. پس از انجام مصاحبه سه نفر را که بیشترین نمره را از کمیته دریافت کرده اند به وزیر معرفی می کنند تا وزیر با نظر استاندار یک نفر از آن‌ها را به عنوان مدیرکل استان منصوب نماید. بر مبنای همین رویه از ستاد استانی دکتر پزشکیان در بوشهر هم درخواست کردند گزینه‌های پیشنهادی خود را معرفی کند که یازده نفر از واجدان شرایط از طرف ستاد به کمیته انتصابات وزارت خانه معرفی شدند.
سه: به دلیل تاخیر زیادی که در رسیدگی به وضعیت آموزش وپرورش بوشهر صورت گرفت و تماس‌های زیادی که با من صورت می‌گرفت چند بار با اعضای کمیته مذکور و با خود وزیر صحبت کردم و نگرانی‌های ناشی از این تاخیر را به اطلاع آن‌ها رساندم.
چهار: در نهایت کمیته انتصابات چند نفری را برای مصاحبه دعوت کردند که البته با گفت و گو با اعضای آن کمیته درنیافتم که مبنای گزینش این‌پنج نفر از میان افراد پیشنهادی چه بوده است؟ نفرات برگزیده آن‌کمیته از طرف وزیر به استاندار معرفی شدند و از سوی وزیر محترم تاکید شد که آقای استاندار با همفکری با مشاور محترم وزیر گزینه نهایی را انتخاب کنند.
پنج: بر مبنای نکات یاد شده نقش اینجانب تنها معرفی نامزدهای پیشنهادی به کمیته انتصابات پس از مشورت با رئیس شورای سیاست گذاری ستاد بوده است و در مابقی فرایند انتخاب مدیرکل هیچ نقشی ندارم. البته از نظر من هر یازده نفر معرفی شده واجد صلاحیت هستند و برای هر کس که در نهایت مدیرکل آموزش و پرورش استان شود آرزوی موفقیت می کنم./ لیان‌دید